

۱-

چراغانی	شکر - چراغ - چراغ‌ها - تشکر - شاکر - چراغ‌های - چراغانی - متشکر	الف

می‌خواستند	خواستن - می‌خواستم - می‌خواهم - می‌خواستند - خواستند - می‌خواهد - خواهیم - خواست	ب

رایانه	عکاس - یارانه - عکس - پایانه - رایانه - عکاسان - عکاسی - تازیانه	پ

- ۲- صدای «و»: اولین بار - می‌شنویم - وارد شد - آورده
 صدای «ا»: خوشحال - حوض - پدر و مادرش - شیرینی و شربت - کمک و همکاری
 صدای «و»: بودند - گوش دادم - خوبی - کودکان
 بی‌صدا: می‌خواستند - بخوانند - خواندن نماز
 ۳- الف) محلّه، ب) جماعت، پ) یکدیگر
 ۴- الف) مسجد، ب) پاشیدند، پ) همسایه‌ها
 ۵-

دویدم و دویدم	به مسجدی رسیدم
چه جای باصفایی	چه رنگ دلگشایی
مردم باراده	تمیز و پاک و ساده
جوان و کودک و پیر	چون دانه‌های زنجیر
نشسته در پیش هم	متحد و منظم
عجب جماعتی بود	راستی سعادت‌ی بود
کنار آنها بودن	شعر نماز سرودن
آقای باوقاری	عالم روزگاری
جلو جماعت ایستاد	خرم و شاد و آزاد
نماز ما به پا شد	خدا انیس ما شد

۶- الف)

می‌آییم	چغندر	سنگچ	هی‌آرح
آیتها	خیمه	سپه	لته‌آرح

ب) مردم همراه پیش‌نماز در مسجد نماز می‌خوانند.